



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
گرایش: مطالعات منطقه‌ای

عنوان:

رابطه توسعه پایدار و توسعه اقتصادی در ایران (۸۶-۱۳۵۷)

استاد راهنما:

دکتر علیرضا سلطانی

استاد مشاور:

دکتر علیرضا سلطانی

پژوهشگر:

دکتر علیرضا سلطانی

تابستان ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

در تاریخ :

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای

نمره به حروف

و با درجه

از پایان نامه خود دفاع نموده و با

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## بسمه تعالی

دانشکده .....

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاه: <b>تهران مرکزی</b>	کد واحد: <b>۱۰۱</b>	کدشناسایی پایان نامه:
--------------------------------------	---------------------	-----------------------

نام واحد دانشگاه: **رابطه توسعه پایدار و توسعه اقتصادی در ایران (۸۶-۱۳۵۷)**

نام و نام خانوادگی دانشجو: <b>رضا حجت شمامی</b>	تاریخ شروع پایان نامه:
شماره دانشجویی: <b>۸۵۰۰۰</b>	تاریخ اتمام پایان نامه:
رشته تحصیلی: <b>مطالعات منطقه‌ای (گرایش ایران)</b>	

استاد راهنما: **دکتر علیرضا سلطانی**  
استاد مشاور: **دکتر سید علی مرتضویان**

آدرس و شماره تلفن:

چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج بدست آمده):  
مقوله توسعه در جوامع در حال توسعه و حتی جوامع توسعه یافته نیازمند انگیزه، برنامه، زمان و پایداری و استمرار است. از این رو کشور های در حال توسعه به طور عام و کشور ایران به طور خاص در صورتی می توانند به این مقوله دست بیابند که ابتدا انگیزه و تمایل توسعه در میان مردم و سیاست مداران وجود داشته باشد و سپس با تنظیم و تدوین برنامه های کوتاه، میان و بلند مدت در این راه گام بردارند. ناگفته پیداست که استمرار در اجرای برنامه صحیح در مدت زمان طولانی می تواند ایران را به کشوری توسعه یافته تبدیل کند. بنابراین وجود برنامه ای عقلایی و اجرای درست آن دومین گام در مسیر توسعه است. ایران اولین بار در سال ۱۳۲۷ به برنامه ریزی توسعه ای پرداخت که تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. در این مدت برنامه های میان مدت عموماً با مشکلاتی مواجه شدند که نتوانستند به مقصود مورد نظر برسند، با این وجود نمی توان از مفید بودن آن در این دوره چشم پوشی کرد. انقلاب اسلامی ایران در ابتدا به خاطر مشکلات فراوان داخلی و خارجی نتوانست به برنامه ای میان یا بلند مدت دست پیدا کند. اما این اتفاق در سال ۱۳۶۸ و پس از اتمام جنگ تحمیلی رخ داد. در حال حاضر چهارمین برنامه میان مدت توسعه در حال اجراست. اما مسئله این است که فقدان برنامه و استراتژی بلند مدت توسعه ای باعث شد تا برنامه های پنج ساله نتوانند آنگونه که باید و شاید کشور را در مسیر توسعه قرار دهند. زیرا هر برنامه ای بر اساس سلیقه دولت هایی تدوین شد که در همان ایام قدرت را در دست داشتند. با توجه به اینکه از زمان پس جنگ سه گفتمان توسعه اقتصادمحور، توسعه سیاست محور و توسعه عدالت محور بر کشور حاکم بوده، برنامه ها از استمرار و پایداری لازم بهره مند نبوده و هر یک مسیر خاصی را پیموده اند. برای جلوگیری از این پراکندگی و گام گذاشتن در مسیر توسعه، ایران نیازمند چشم انداز و استراتژی بلند مدتی بود تا راه توسعه کشور را هموار کند. این اتفاق در «سند چشم انداز بیست ساله» ایران رخ داده است و اگر در این مدت برنامه های پیش بینی شده به طور صحیح اجرا شوند به نظر توسعه امری دست یافتنی می شود.

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه مناسب است / مناسب نیست تاریخ و امضا:

تقدیم به:

معلمان همیشگی:

پدر و مادرم

کیمیای زندگی:

همسرم

و امید فرداهایم:

راستین

با تشکر از:

اساتید محترم راهنما، مشاور و داور که قبول زحمت کردند و همچنین برادر عزیزم جناب آقای مهدی حجت و دوست بسیار خوبم جناب آقای شعیب بهمینهمرا در انجام این مهم یاری رسانند .

## فهرست مطالب

۱	<b>فصل اول: کلیات طرح</b>
۲	۱-۱ بیان مسئله
۴	۲-۱ هدف‌های تحقیق
۴	۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن
۵	۴-۱ سوال‌ها، متغیرها و فرضیه تحقیق
۶	۵-۱ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی
۷	۶-۱ روش تحقیق
۸	۷-۱ قلمرو تحقیق
۸	۸-۱ محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق
۸	۹-۱ پیشینه تحقیق
۱۱	۱۰-۱ سازماندهی تحقیق
۱۴	<b>فصل دوم: مباحث تئوریک: توسعه‌ی (مستمر) پایدار و توسعه‌یافتگی</b>
۱۵	مقدمه
۱۸	۱-۲ ماهیت و مکاتب توسعه‌یافتگی
۱۹	۱-۱-۲ ماهیت و مفهوم توسعه
۲۲	۱-۱-۱-۲ مفهوم توسعه‌ی (مستمر) پایدار
۲۶	۲-۱-۲ تئوری‌های توسعه‌یافتگی
۲۷	۱-۲-۱-۲ مکتب نوسازی
۳۱	۲-۲-۱-۲ روستو و مراحل مستمر توسعه
۳۳	۳-۲-۱-۲ ضرورت وجود برنامه در توسعه
۳۸	۲-۲ نبود توسعه‌ی پایدار و توسعه‌نیافتگی
۳۹	۱-۲-۲ موانع توسعه سیاسی

۴۳	۲-۲-۲ موانع توسعه اجتماعی و فرهنگی
۴۶	۳-۲-۲ توسعه نیافتگی اقتصادی
۵۰	<b>فصل سوم: تاریخچه‌ی گفتمان توسعه در ایران</b>
۵۱	مقدمه
۵۲	۱-۳ ایران، عقب ماندگی و انقلاب مشروطه
۵۳	۱-۱-۳ نظریه‌های عقب ماندگی ایران
۵۷	۲-۱-۳ ایران پیش از مشروطه
۵۸	۱-۲-۱-۳ اقتصاد ایران در دوره قاجار
۶۱	۲-۲-۱-۳ مشروطیت؛ ناکام در توسعه
۶۷	۳-۲-۱-۳ از مشروطه تا کودتا، روزگار آشفته
۶۹	۳-۱-۳ اوضاع اقتصادی پس از انقلاب
۷۱	۱-۲-۳ پهلوی و الگوهای توسعه سلطنت
۷۲	۱-۲-۳ رضاخان، تجدد آمرانه، توسعه درونزا
۸۱	۲-۲-۳ محمدرضا شاه، توسعه برونزا و راه نیمه تمام
۸۳	۳-۲-۳ اولین برنامه‌های عمرانی توسعه‌ای در ایران
۹۰	<b>فصل چهارم: انقلاب اسلامی، جنگ و اقتصاد دولت محور (۱۳۵۷-۱۳۶۸)</b>
۹۱	مقدمه
۹۲	۱-۴ انقلاب اسلامی ایران، تئوری‌ها و توسعه
۹۷	۱-۱-۴ ثبات و توسعه (۶۰-۱۳۵۷)
۱۰۰	۲-۱-۴ سال‌های بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی و گرایش به چپ
۱۱۰	۳-۱-۴ جنگ و توسعه
۱۱۵	۲-۴ اقتصاد دولت محور و توسعه
۱۱۷	۱-۲-۴ اقتصاد اسلامی
۱۱۹	۲-۲-۴ اقتصاد سرمایه‌داری
۱۲۱	۳-۲-۴ اقتصاد سوسیالیستی



۱۲۴	<b>فصل پنجم: دولت هاشمی رفسنجانی و توسعه‌ی اقتصادمحور (۱۳۶۸-۱۳۷۶)</b>
۱۲۵	مقدمه
۱۲۶	۱-۵ گفتمان توسعه‌ی اقتصادمحور (توسعه‌ی اقتصادی)
۱۲۷	۱-۱-۵ گریز از اقتصاد دولتی - جنگی
۱۲۹	۲-۱-۵ تعدیل اقتصادی، تعدیل ساختاری
۱۳۱	۳-۱-۵ انواع و مبنای تئوریک سیاست تحلیل
۱۳۳	۴-۱-۵ اقتصاد؛ گفتمان غالب دوره هاشمی رفسنجانی
۱۳۶	۲-۵ دست‌آوردها و مشکلات
۱۳۶	۱-۲-۵ آشتی نسبی با دنیای خارج
۱۴۲	۲-۲-۵ خصوصی‌سازی، چرخشی در سیاست‌های اقتصادی
۱۴۷	۳-۲-۵ شکست خصوصی‌سازی، شکست برنامه‌های دولت اقتصادمحور
۱۶۰	<b>فصل ششم: دولت محمد خاتمی و توسعه سیاست محور (۱۳۷۶-۱۳۸۴)</b>
۱۶۱	مقدمه
۱۶۲	۱-۶ گفتمان توسعه‌ی سیاست‌محور (توسعه‌ی سیاسی)
۱۶۵	۱-۱-۶ اصلاحات سیاسی؛ گفتمان غالب
۱۶۹	۲-۱-۶ دیدگاه‌های اقتصادی
۱۷۴	۲-۶ مشکلات و دست‌آوردها
۱۷۶	۱-۲-۶ مشکلات درونی
۱۸۰	۲-۲-۶ مشکلات بیرونی
۱۸۳	۳-۲-۶ دست‌آوردها

۱۸۸	<b>فصل هفتم: دولت محمود احمدی نژاد و توسعه‌ی عدالت‌محور (۱۳۸۶-۱۳۵۷)</b>
۱۸۹	مقدمه
۱۹۱	۱-۷ گفتمان توسعه‌ی عدالت‌محور
۱۹۲	۱-۱-۷ زمینه‌های پیدایش گفتمان عدالت‌محور
۱۹۴	۲-۱-۷ راهبردهای کلان دولت نهم
۱۹۷	۲-۷ مشکلات و دست‌آوردها
۱۹۸	۱-۲-۷ دست‌آوردهای غیرمتعارف
۲۰۳	۲-۲-۷ مشکلات بنیادی، مشکلات روشی
۲۱۴	<b>فصل هشتم: سند چشم‌انداز بیست‌ساله، اتخاذ برنامه‌ی بلندمدت توسعه</b>
۲۱۵	مقدمه
۲۱۷	۱-۸ پارادایم سند چشم‌انداز
۲۱۸	۱-۱-۸ برنامه و برنامه‌نویسی در ایران
۲۱۹	۲-۱-۸ برنامه اول توسعه و تعدیل ساختاری
۲۲۱	۳-۱-۸ برنامه دوم توسعه و تعدیل در تعدیل ساختاری
۲۲۳	۴-۱-۸ برنامه سوم توسعه، از بی‌برنامگی اقتصادی تا امیدهای توسعه
۲۲۴	۵-۱-۸ برنامه چهارم توسعه، قانونی ره‌اشده
۲۳۱	۲-۸ چشم‌انداز بیست‌ساله، گریز از ماهیتی تجددستیز
۲۳۴	۱-۲-۸ اصل ۴۴، بن‌بست توسعه و راه‌گریز از آن
۲۴۰	۲-۲-۸ ولایت فقیه، سند چشم‌انداز و توسعه
۲۴۲	۳-۸ مشکلات و پیامدهای پارادایم چشم‌انداز
۲۴۳	۱-۳-۸ مشکلات اجرایی سند چشم‌انداز
۲۴۴	۲-۳-۸ پیامدهای سند چشم‌انداز بیست‌ساله
۲۵۷	

## فصل نهم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۲۵۸	مقدمه
۲۵۸	۱-۷ نتیجه‌گیری
۲۶۲	۲-۷ پیشنهادهای حاصل تحقیق
۲۶۳	فهرست منابع و مآخذ

## فهرست جدول‌ها

- جدول: ۱-۲: برخی از اندیشه‌ها و اعتقادات در دنیای قدیم و جدید (تمدن قبلی - تمدن فعلی) ۱۶
- جدول ۱-۶: روند گسترش تجارت خارجی ۱۶۹
- جدول ۲-۶: حساب ذخیره ارزی ۱۸۷
- جدول ۱-۸: مقایسه عملکرد و اهداف رشد متغیرهای بخش واقعی اقتصاد در برنامه دوم و سوم توسعه ۲۲۹
- جدول ۲-۸: مقایسه عملکرد و اهداف رشد متغیرهای بخش مالی اقتصاد در برنامه دوم و سوم توسعه ۲۳۰

## فهرست شکل‌ها و نمودارها

۲۶	نمودار ۱-۲: روند دستیابی به مولفه‌های توسعه‌ی یابدار
۳۹	نمودار ۲-۲: ساز و کار تاثیر متقابل نهادها و توسعه اقتصادی
۹۹	نمودار ۱-۴: پراکندگی رابطه بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی
۱۰۰	نمودار ۲-۴: نمودار پراکندگی رابطه بین حاکمیت و رشد
۱۴۷	نمودار ۱-۵: خصوصی‌سازی و توسعه‌یافتگی
۲۴۹	نمودار ۱-۸: ایران آینده (سند چشم‌انداز بیست‌ساله)
۲۵۰	نمودار ۲-۸: الگوی توسعه (سند چشم‌انداز بیست‌ساله)
۲۵۱	نمودار ۳-۸: جامعه و تولد ملی
۲۵۲	نمودار ۴-۸: امنیت ملی
۲۵۳	نمودار ۵-۸: رفاه ملی
۲۵۴	نمودار ۶-۸: ویژگی‌های فرد ایرانی ۱۴۰۴
۲۵۵	نمودار ۷-۸: جایگاه منطقه‌ای (۱۴۰۴)
۲۵۶	نمودار ۸-۸: جایگاه ایران در جهان اسلام (۱۴۰۴)

# فصل اول

## کلیات طرح

## بیان مساله:

در آسیب‌شناسی فرایند توسعه در ایران و شناخت دلایل کندی سرعت و بالا بودن هزینه آن، عوامل و متغیرهای متعددی می‌تواند مورد توجه و بررسی قرار گیرد. اما شاید مهم‌ترین و برجسته‌ترین متغیر در بالا بودن هزینه توسعه، کندی و پایین بودن پویایی آن، نبود سازوکار نهادینه‌سازی الگوها و به-نوعی پارادایم‌های توسعه است.

در طول یک قرن گذشته دولت‌های مختلف با الگوها و تفکرات توسعه‌ای متنوع و بعضاً متضاد در فضای سیاسی و اقتصادی و برنامه‌ریزی ایران ظهور پیدا کرده‌اند که عملاً ساختارها و معادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را تحت الشعاع تفکرات و ایده‌های خود قرار داده، برنامه‌ها و تحولات گذشته را متوقف ساخته، ابداعات، سیاست‌ها، برنامه‌های جدیدی که بعضاً برای اولین بار مورد آزمون و تجربه قرار می‌گیرد را به کارگرفته، منابع کمیاب و غیرقابل جایگزینی را استفاده نموده و هزینه‌های زیادی را ایجاد کرده است.

اما نهایتاً به دلیل نبود اراده‌ای لازم برای نهادینه کردن الگوی مورد نظر و شکل نگرفتن اجماع عمومی در بطن نظام تصمیم‌گیری و اجرایی، محافل کارشناسی و نخبگان و همچنین بدنه اجتماعی، الگوهای مورد نظر به صورت ناقص اجرا شده و عملاً آثار و نتایج آن به شکل مثبت خودنمایی نکرده و زمینه ساز یک روند پایدار، تجربه شده و مورد قبول نمی‌شود. این گردونه با تغییر دولت‌ها و به دنبال آن تغییر نگرش‌ها و الگوهای توسعه ادامه پیدا کرده و باز روز از نو و روزی از نو . نتیجه این فرایند چیزی نیست جز ناتوانی در توسعه و نهایتاً کاهش توان رقابتی اقتصاد ملی، ضعف جایگاه ایران در اقتصاد و تجارت جهانی و پایین بودن شاخص‌های رفاه اجتماعی .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بهجز سال‌های ابتدایی و جنگ تحمیلی که شرایط خاص آن توجیه پذیر است، سه الگو و تفکر توسعه‌ای با روی کارآمدن سه دولت مورد تجربه قرار گرفت. دولت سازندگی با اولویت توسعه اقتصادی، دولت اصلاحات با اولویت توسعه سیاسی و دولت عدالت خواه با اولویت عدالت اجتماعی. تجربه دو دولت اول به دلیل نهادینه نشدن الگوهای مورد نظر عملاً به اهداف خود

نرسید و با وجود پرداخت هزینه زیاد در نیمه راه رها شد. در این میان عوامل دیگری نظیر اجرای ناقص، فقدان مبانی نظری، سیاست زدگی و عملیاتی شدن در خلأ بدون در نظر گرفتن دیگر شرایط و متغیرها، عدم تلاش برای فرهنگ‌سازی و زمین‌سازی برای مشارکت عموم را نباید نادیده گرفت که البته این موارد خود عامل نهادینه نشدن الگوهای توسعه بوده است. دولت نهم نیز در شرایطی در آغاز نیمه دوم فعالیت خود قرار گرفته که هنوز در نهادینه کردن الگوی توسعه عدالت‌گرایانه خودنمایی نکرده است.

این نگرانی وجود دارد که الگوی توسعه دولت کنونی نیز پس از پایان دوره فعالیت و روی کار آمدن دولتی جدید با رویکرد نو، بهسرنوشت دیگر الگوها تبدیل شود و عملاً دستاوردها و آثار آن که با هزینه سنگین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همراه است از بین برود و نتواند سرچشمه‌ای جوشان و پایدار برای نیاز توسعه‌ای ایران شود.

دولت کنونی البته از بسترهای مناسبی نیز برای نهادینه‌سازی الگوی توسعه‌ای مورد نظر همچون حمایت عمومی به دلیل نگاه ویژه به توده‌های مردم و نیازهای آنها، همراهی و هماهنگی دیگر قوا، بهره‌مندی از منابع اقتصادی مطلوب و مهم‌تر از همه برخورداری از سه سند توسعه‌ای یعنی سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی نظام در اصل ۴۴ و برنامه عملیاتی چهارم توسعه بهره‌مند است.

اما آنچه فقدان آن احساس می‌شود، مبانی نظری مستحکم، اجماع عمومی و برنامه‌های اجرایی هماهنگ و قدرتمند است. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین هنر دولت کنونی و دیگر دولت‌ها نهادینه ساختن الگوی توسعه برای پایداری رونق توسعه و جلوگیری از ناتوانی در توسعه است.

## هدف‌های تحقیق

درباره چرایی توسعه نیافتگی در کشورهای جنوب به طور اعم و کشور ایران به طور اخص نظریه‌های بسیاری ارایه و سخنان زیادی گفته شده است. اما مسئله این است که به دلیل وجود موانع متعدد، تا کنون تئوری و روشی که بتواند کشور را از توسعه‌نیافتگی خارج کند، سکان حکومت را به دست نگرفته است. از این رو دولت‌های مخ‌تلف بر اساس سلیقه خود، از تئوری‌ها و روش‌های مختلفی استفاده کرده و از تجربیات پیشین فاصله گرفته‌اند. این تحقیق درصدد است تا عوارض ناگوار این روش غیرمنطقی را



نشان داده و پیشنهاد دهد که برای گریز از عقب ماندگی باید از تئوری و الگویی استفاده کرد که علاوه بر درست بودن پایه های فکری آن، روش مناسبی را برای رسیدن به این مقصود ارائه دهد. همچنین در انجام برنامه های انتخاب شده، در قالب یک تئوری منسجم - که حاصل چینش یک استراتژی صحیح است - پایدار بود.

### اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن

در عصری که کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته جهان فقط به توسعه و رفاه شهروندان می اندیشند، دور ماندن از این مقوله نمیتواند توجیه پذیر باشد. در واقع در حال حاضر هیچ دولت ملی و حتی غیرملی نمی تواند توسعه را به فراموشی بسپارد و از سویی امیدوار به حفظ حاکمیت خود باشد. اقتصاد، رفاه اجتماعی، حقوق شهروندی و ... از جمله مسائلی هستند که امروزه در دنیا مورد توجه قرار گرفته اند و مردم خواهان رسیدن به آنها هستند. بنابراین توسعه و اهمیت دادن به حقوق اجتماعی مردم، حداقل کاری است که باید در هر کشوری به آن پرداخته شود. از سویی دیگر برای رسیدن به توسعه باید با انتخاب پارادایمی درست و امتحان پس داده، و برگزیدن روش های صحیح آن، مسیری طولانی و پایدار را پیمود. مسئله ای که تقریباً تاکنون در ایران مورد غفلت واقع شده است و اگر این غفلت ادامه دار باشد امکان جبران، وجود نخواهد داشت. بنابراین محقق در این اثر با اهمیت و احترام فوق العاده به مقوله توسعه در صدد آن است که با برشمردن ضعف ها و عوارض نداشتن انگیزه و برنامه ای بلندمدت برای توسعه، یادآور شود که امروزه راز بقای «هویت ملی» در دل هویت های گوناگون دنیا، در توسعه یافتگی است.

### سوال ها و فرضیه های تحقیق

-سوال اصلی:

وجود یا عدم وجود برنامه ایی برای توسعه پایدار (مستمر) چه تاثیری بر توسعه اقتصادی ایران در سال های ۵۷ تا ۸۶ داشته است؟

-سوال های فرعی :

۱. مفاهیم و شاخص های توسعه اقتصادی و توسعه یافتگی کدام است؟
۲. توسعه (مستمر) پایدار یعنی چه؟
۳. چه ارتباطی بین عدم وجود توسعه (مستمر) پایدار و توسعه نیافتگی وجود دارد؟
۴. سابقه مدیریت و برنامه ریزی توسعه اقتصادی تا پیروزی انقلاب اسلامی چگونه است؟
۵. الگوی توسعه اقتصادی ایران در دهه ۱۳۶۰ چه بود؟
۶. ماهیت و فرایند توسعه اقتصادی در دوره سازندگی چه بود؟
۷. ماهیت و فرایند توسعه اقتصادی در دوره اصلاحات چیست؟
۸. ماهیت و فرایند توسعه اقتصادی در دوره دولت نهم چیست؟
۹. آثار سیاسی و اقتصادی عدم وجود برنامه برای توسعه (مستمر) پایدار بر ایران چیست؟
۱۰. کارایی و کارکرد سند چشم انداز بیست ساله و سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر شکل گیری پارادایم توسعه ایی در ایران چگونه است؟

- متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: توسعه (مستمر) پایدار

متغیر وابسته: توسعه اقتصادی ایران

-فرضیه اصلی

عدم وجود برنامه ایی برای توسعه (مستمر) پایدار باعث کندی و ناکارآمدی فرایند توسعه اقتصادی در فاصله سال های بعد از انقلاب اسلامی شده است.

-فرضیه رقیب:

ایران پس از سال ۵۷ الگو و روش یکسانی را برای توسعه انتخاب کرده است و این مسئله ایران را به سمت توسعه (مستمر) پایدار سوق داده است.

## تعریف مفاهیم متغیرها و واژه های کلیدی

نوسازی، توسعه یافتگی، توسعه نیافتگی:

عنوان توسعه یافته معمولاً به کشورهایی تعلق می گیرد که فضایی مشتمل بر شهری شدن، صنعتی شدن، دنیاگرایی، دمکراتیزه کردن، آموزش، دسترسی بهوسایل ارتباط جمعی با تکیه بر نهادمندی تطبیق پذیر، پیچیده، مستقل و منسجم جهت بسط تحرک اجتماعی و مشارکت سیاسی در کنار رشد اقتصادی همپایه عقلانیت اقتدار سیاسی و تمایز کارکردهای سیاسی نوین و اشتراک هرچه بیشتر گروه های اجتماعی در امور سیاسی را در اختیار داشته باشند. به تبع کشورهایی که چنین امتیازهایی را در اختیار نداشته باشند، توسعه نیافته محسوب می شوند. بنابراین در این معنا و در این تحقیق، «توسعه» به «پارادایم نوسازی» نزدیک است.

رشد:

رشد که از جمله گرایشات اولیه پارادایم نوسازی بود، بیشتر به پیشرفت اقتصادی، سطح بالای تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه کشورها نظر دارد.

توسعه (مستمر) پایدار:

مقصود از پایدار در این تحقیق بیش از آنکه مفهومی محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشد، به انتخاب و استمرار در اجرای برنامه های از پیش تعیین شده تعلق دارد. بنابراین می توان از توسعه ی مستمر پایدار سخن گفت که دولتها در چند نسل به آن مبادرت می ورزند.

پارادایم:

پارادایم مفهومی است که اول بار «تامس کوهن» آن را به کار برد. پارادایم به دستاورد علمی بزرگی گفته می شود که از یک سو آن چنان بی سابقه است که می تواند در عرصه رقابت میان روش های علمی

گوناگون، طرفدار داشته باشد و از سوی دیگر، چنان است که می تواند تعریف مجددی از مسایلی که دانشمندان به آن اشتغال دارند، ارائه کند.

گفتمان :

به مجموعه اندیشه ای گفته می شود که در زمان و دوره ای خاص در یک مکان غالب می شود. بنابراین بسیاری از تاکتیک ها و استراتژی های موجود، بر اساس آن فضای گفتمانی انتخاب می-شود.

### **روش تحقیق:**

-روش پژوهش

برای بررسی رابطه توسعه مستمر پایدار و توسعه اقتصادی در ایران از روش های توصیفی و تحلیلی استفاده می شود. زیرا در مرحله اول به توصیف گفتمانی دولت ها پرداخته خواهد شد و سپس در بخش تحلیلی به چرایی توسعه نیافتگی کشور اشاره می شود که عمدتاً به دلیل گفتمان های متفاوت و حسی متضادی رخ داده است که فرضیه اصلی تحقیق را دربر می گیرد.

-روش گردآوری اطلاعات:

در این پژوهش علاوه بر روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای، از منابع خبری و اطلاعات اینترنتی - الکترونیکی نیز استفاده شود.

### **قلمرو تحقیق:**

در این تحقیق قلمرو مکانی بحث به طبع به کشور ایران تعلق دارد و از لحاظ زمانی به دوران پ س از انقلاب اسلامی (۸۶-۱۳۵۷) می پردازد. با این وجود برای روش شدن مباحث تاریخی در این زمینه به دوران مشروطه و پهلوی نیز نیم نگاه شده است .

### **محدودیت ها و مشکلات تحقیق**